

بیمه مقتدیت و بی شنود مرانشیدن کنوا و یک کار آید
دوم سو د ارد **حکایت** آنکس که یوان و خیزد و نرسید
انت جوشش جوشش ندهی **حکایت** جالبوس ابلی را
دیدت در گریبان داشتندی زده بی حوتی ای کرد گفت
اگر این دانا بودی کار و نایان نادان بوی نمی رسید
دو عاقل را با نیتدین و بی کار نه دانی سیزد با بسلسار
اگر نادان بوخت سخت گوید نزد مندی بیزی دل بخوید
دو صاحب دل نکه آرنده سوی **حکایت** میزدون سرش از زمین جوی
ولم بپرد و جانب جا بنامند اگر ز غیر باشد بکشد
یکی رازشست خوبی دادم **حکایت** مثل کرد گفت ای خوب فرجام
بزرگم که خواهی گفت ای که دلم چسب من چون مرندانی
حکایت چسبایی و ابل را در فصاحت بی نظیر نهاده اند حکم
آنکس تالی بیانی بی هر سر کج سخن گفتی که یکی لفظ تکرار کردی و اگر



همان اتفاق افتاد

همان اتفاق افتاد بی عبارتی دیگر گفتی و یکی از جمله ادب
نیز جان حضرت پادشاهان نیست که گفته اند
سخن کرد بدیند و شیرین است و تصدیق و تحسین بود
جو یکبار گفتی نمود که یا رس که طوا جو یکبار خوردند
حکایت یکی از حکما گفتند که می گفت هر کس کسی
بجمل خویش قرار نهد که آنکس که چون دیگری در حق یا با حق
گفتن آغاز کند بجمل خویش قرار کرده باشند
سخن را برست ای برادر وین **حکایت** میا در سخن در میان سخن
خداوندند بیرون فرم کند **حکایت** نکو بدی تا بنید خویش
حکایت سخن چند از نیندگان سلطان نمود پرسیدند
حسن بیند که سلطان چه گفت امر و ز ترادر فلان **حکایت**
گفت بر شما هم پوشیده نباشد گفتند تو دستور ما کی آید با
با تو گوید با منان ما گفتن رواندارد گفت یا عمدا آنکس اند که نکو

Handwritten marginal notes in Persian script on the left side of the page, providing commentary or additional stories related to the main text.

Handwritten marginal notes in Persian script on the top right side of the page, continuing the commentary or providing related anecdotes.

Copyright © King Saud University